

# Art Exhibition: The East's Victory on West in the Sasanian Shapur I's Relief in Tang-e Chogān

**Seyed Asghar Mahmoudabadi, Ph.D**

Professor of History Sepehr Artistic Institute,  
asghar.mahmodabadi@gmail.com

**Mohsen Mozdbaran**

Instructor of Cinema and Theater, Sepehr Artistic Institute  
mohsenmzdbaran@yahoo.com

**Abstract:** Shapur I (242-273 AD) is the second Sasanian king and son of Ardashir I who is the founder of the Sasanian Dynasty. Although, during his reign, there existed a strong system of governance, military marshals and landowner princes (Zamindar Wispuhrs) who seem to date back to the Arsacid organization which ancestrally survived in the Sasanian period, he proved himself as a strong and determined person. He not only succeeded to safeguard the Sasanian identity against the authoritarian Zoroastrian clergymen in all governmental and non-governmental organizations both in rural and urban areas but also he could protect the country against the foreign enemies.

There survived a large number of inscriptions and reliefs belonging to Shapur I especially in Fars. They unquestionably prove interest, attention and tendency to a politico-cultural permanence during his reign. One of these works is a relief belonging to him in Tang-e Chogan in Kazerun. It depicts an image of three victories of this Sasanian king which have occurred in three different times but shown in a segment of time. This paper aims to identify the original idea that led to showing the victories in the form of an artistic symbol. At the same time, it tries to study and introduce conditions and particulars of those images through political circumstances of that period of time.

**Keywords:** Shapur I, Gordian III, Philip the Arab, Valerian, Tang-e Chogan.

Seasonal Journal of  
Studies of Cultural Heritage  
Documents  
ISSN: 2538-1644  
Vol. 1, No.2, Spring 2017

# نمایشگاه هنری پیروزی شرق بر غرب در نقش برجسته شاهپور اول ساسانی در تنگ چوگان

**سیداصغر محمودآبادی**

استاد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی محلات  
asghar.mahmodabadi@gmail.com

**محسن مزدبران**

مری سینما و تئاتر موسسه عالی هنری سپهر اصفهان  
mohsenmozdbaran@yahoo.com

پذیرش: ۹۶/۰۳/۱۶

دریافت: ۹۵/۱۲/۱۵

## چکیده

شاهپور اول (۲۴۲-۲۷۳م) دومین شاهنشاه ساسانی و فرزند اردشیر اول، بنیان‌گذار سلسله ساسانی، در طول مدت سلطنت خویش با وجود اقتدار دستگاه دولتی و حضور سرداران نظامی و ویسپوهران زمین‌دار - که به نظر می‌رسد از ریشه‌های تشکیلات عصر اشکانیان به صورت میراثی اجتناب‌ناپذیر به عهد ساسانیان انتقال یافته بودند - چهره‌ای مقتدر و بارآده از خویشتن نشان داد و علی‌رغم حضور اقتدارطلبانه دین‌یاران آیین مغان در همه تشکیلات دولتی و مردمی و در روستاها و شهرهای ساسانیان، توانست از شخصیت و هویت نظام ساسانی در برابر آنان و همچنین در تقابل با دشمنان خارجی ایرانیان به خوبی مراقبت کند. از شاهپور یکم کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های زیادی به‌ویژه در استان فارس بر جای مانده است که بی‌تردید نشانگر علاقه، توجه و تمایل به ماندگاری سیاسی و فرهنگی نظام ساسانی در عصر آن شاهنشاه است. یکی از آثار به‌جای‌مانده، نقش برجسته‌ای از او در تنگ چوگان کازرون است که در آن تصویر پیروزی‌های سه‌گانه شاهنشاه ساسانی را که در سه زمان رخ داده است، در یک قاب به نمایش گذاشته است. این مقاله در صدد دستیابی به ریشه‌ها و مبانی اندیشه‌ای است که آن پیروزی‌ها را به صورت یک نماد هنری تصویر کرده و نیز در عین حال به بررسی و معرفی ویژگی‌های آن تصاویر با توجه به وضع سیاسی و ویژه آن دوران پرداخته است.

**کلیدواژه:** شاهپور اول، گوردیان سوم، فیلیپ عرب، والرین، تنگ چوگان.

## مقدمه

دولت شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۲م) یکی از بزرگ‌ترین دولت‌های سیاسی - مذهبی جهان قدیم به شمار می‌آید که در یکی از سرنوشت‌سازترین میدان‌های سیاسی و نظامی آن دوران قرار گرفته بود. بی‌گمان اگر به چگونگی قدرت‌یابی آن دولت توجه کنیم، پیش از هر چیز می‌توان در ساختار آن نوعی دغدغه دینی در کنار بازیابی اقتدار ایران گذشته پیش از عهد اسکندر مقدونی را مورد توجه قرار داد که هر دوی آن پدیده‌ها، به صورت جلوه‌هایی روشن از روشمندی‌های دینی - سیاسی در سایه اقتدار نظامی و تشویق روحیه نظامی‌گری، همراه توسعه آیینی و تبلیغات آتشگاه-های زرتشتی و تربیت مغان و توسعه مراکز نظامی و مذهبی خودنمایی می‌کند. نشانه‌هایی از آن گونه روشمندی‌های سیاسی و نگاه مذهبی به قدرت الهی سلطنت در کنار باورهای ماورایی به تعامل دین و دولت در نوشته‌ها و آثار اردشیر اول، بنیان‌گذار آن دولت در جای‌جای آثار دولت ساسانی از جمله نقش رستم، نقش رجب، و دارابگرد به خوبی و روشنی به چشم می‌خورد.

برای پژوهشگر بسیار جالب است که بدانند دولت ساسانی که یک دولت تئوکرات است تا چه حد تمایل دارد که خود را به هخامنشیان - که ظاهراً اطلاعات درستی نیز از آن عهد نداشته - نزدیک کند. برخورداری از فره ایزدی، جایگاه اختصاصی شاهنشاه در فرآیند قدرت، موروثی بودن سلطنت، اندیشه گسترش و تسلط بر سرزمین‌های غیر ایرانی (انیران)، تمرکز شدید و اتکا به قدرت روزافزون نظامی، دولت ساسانی را به طور نسبی به هخامنشیان شبیه و تا حدودی نزدیک می‌کند. اما نکته جالب‌تر اینکه اردشیر ساسانی به عنوان مؤسس دولت ساسانی، به لحاظ روحیه، اخلاق و سرنوشت حکومت، به هیچ روی با دو بنیان‌گذار دولت هخامنشی (کوروش دوم و داریوش یکم) شباهت ندارد. کوروش شاهنشاهی بود با روحیه غیر مذهبی و متعهد که در عین حال نگاهی مداراجویانه به گذشته و حال داشت و باورها و اعتقادات مردمان دیگر سرزمین‌ها از منظر او مورد احترام و گاهی نیز تفقد قرار می‌گرفت. اما اردشیر نیروی ایمان را با قدرت سلاح و تبلیغ پیش می‌برد.

کمی پس از کوروش، داریوش اول هخامنشی (۵۲۲-۴۸۶ق م) به عنوان مؤسس دوم امپراتوری هخامنشیان با چهره‌ای مذهبی و به همراهی و پشتیبانی اراده اهورامزدا در تاریخ ظاهر شد و با همان چهره به تصفیه مغان مخالف قدرت هخامنشیان پرداخت. بدین ترتیب پس از او نیز دولت هخامنشی فاقد جلوه‌های جدی مذهبی به شمار می‌آید. این در حالی است که اردشیر بابکان چهره‌ای به تمام معنی مذهبی دارد و به ایجاد حکومتی دین‌سالار (تئوکرات) دست می‌زند که تا پایان هم‌چنان باورمند و دینی باقی می‌ماند و نقش خویش را در توسعه مذهبی و اثرگذاری

بر سرشت و جوهره فکری ایرانیان برای آینده‌ای دور و دراز ایفا می‌کند. آنگاه که نوبت به دوره شاهپور یکم، که موضوع مورد بحث مقاله است می‌رسد، از او چهره تازه و تا حدودی متفاوت در تاریخ ایران و شرق برجای می‌ماند؛ چهره‌ای که علی‌رغم اقتدار موبدان، هیبریدان و مغان زرتشتی چندان مذهبی نیست و آن نیروها در دربار و تصمیم‌گیری‌های او نقش مؤثری ندارند. برای مثال، شاهنشاه ساسانی به راحتی و روشنی از مانی - اصلاحگر آیین زرتشت و مخالف جدی سازمان تشکیلاتی زرتشتیان - دفاع کرده و از آیین او در سرتاسر امپراتوری ساسانی (ایران و انیران) حمایت می‌کند. گذشته از شخصیت مستقل و در عین حال متفاوت شاهپور یکم و رویکرد خاص او به مسایل مذهبی ایران و تفاوت نگرش او با مغان زرتشتی و حمایت‌های کاملاً سیاسی او از مانویان، شاهپور اول - در واقع - بنیان‌گذار امپراتوری ساسانیان است و با عنوان «شاهنشاه ایران و انیران» در کتیبه‌های متعدد به‌ویژه در نقش رستم (کعبه زرتشت) و در نقش رجب و حاجی‌آباد ظاهر می‌شود که بی‌گمان لقبی است درست و شایسته. با ظهور او ایران پس از لشکرکشی‌های کوروش و کمبوجیه و جهانگشایی‌های داریوش و خشایارشا و گذر از برهه‌ای سخت و شکننده و طولانی یک بار دیگر سایه فاتحی قدرتمند، مسلط و شکارگر امپراتوران روم را بالای سر خود می‌بیند. پس از پیروزی بر گوردینوس سوم، باج‌گیری از فیلیپ عرب، و اسیر کردن والریان امپراتور روم، که شرح آن در کتیبه مفصل و سه-زبانه کعبه زرتشت آمده است، نگاه تاریخی محقق متوجه یک نقش برجسته گمنام اما مهم از شاهپور یکم در کنار رودخانه شاهپور واقع در دره تنگ چوگان می‌شود که هر سه پیروزی او در یک صحنه چشم‌گیر - اما بدون نبشته و ظاهراً به علت فساد سنگ - به صورتی نمادین جلوه‌گر شده است. این که چرا شاهپور چنان صحنه‌ای را برای آیندگان یادگار نهاده و چگونه سه موضوع متفاوت را در یک وحدت هنری و نمادین جلوه‌گر ساخته، موضوع مقاله پیش رو است.

دولت ساسانی آخرین مراحل تکوین تمدن باستانی ایران بود و با سقوط سیاسی - مذهبی این دولت در سال ۶۵۲م همه آن مراحل تکمیل شده با غنای معنوی اسلام پیوند خورد و دنیایی جدید برای ایرانیان پدیدار ساخت که در آن گرچه از منظر سیاسی و اعتقادات قدیم اثر چندانی باقی نماند ولی غنای تمدن و فرهنگ آن فضای آکنده از عظمت و شکوه در ایران اسلامی پدیدار شد. آثار به‌جامانده از ساسانیان نسبت به ادوار باستانی ایران بیشتر و آشنایی با آنها برای اهل فن آسان‌تر و دست‌یافتنی‌تر است و بی‌شک یکی از برجسته‌ترین این آثار به‌جای مانده که در سرتاسر ایران زمین به‌ویژه در خطه جنوبی به چشم می‌خورد، آثار شاهپور یکم (۲۴۲-۲۷۳م)، دومین پادشاه ساسانی است که عمده‌ترین آن در تنگ چوگان کازرون، در کنار رود شاهپور و در شمال

شهر معروف بیشاپور به یادگار مانده است. در این تنگه در دو ضلع رودخانه موسوم به شاهپور نقوش برجسته‌ای وجود دارد که مورد توجه و مطالعه محققان برجسته‌ای چون موریه (Morier) در ۱۸۰۹م، اوزلی (Ouseley) در ۱۸۱۱م قرار گرفته است. و بیود (Bebode) در سال ۱۸۴۵م فلاندن (Flandin) و کوست (Coste) در ۱۸۵۱م آندراس (Andreas) و ستولز (Stolze) و در ۱۸۷۷م مارسل دیولافوا و همسرش ژان دیولافوا در ۱۸۸۴ از آن بازدید کرده اند. به علاوه دانشمندان ایران‌شناسی چون زاره، هرتسفلد و گیرشمن نیز در این ابنیه و آثار جستجوهای محققانه کرده اند. در سمت چپ رودخانه، سه نقش از این نقوش برجسته، پیروزی شاهپور یکم دومین شاه ساسانی را بر والرین امپراتور روم نشان می‌دهد. پیروزی شاهپور اول بر والرین در پنج نقطه از سرزمین باستانی پارس بر سینه کوه‌های جنوب ایران نقش بسته است.

پیروزی شاهپور یکم بر والرین امپراتور روم در سال ۲۶۰-۲۵۹م به وقوع پیوست. این واقعه که بی‌شک بزرگ‌ترین رخداد سیاسی - نظامی در قرن سوم میلادی بود، اثری عمیق و ناباورانه در ارکان امپراتوری پهناور روم باقی گذاشت. و شاهپور کوشید این واقعه بی‌مانند را بر سینه کوه-های استوار ایران تجسمی جاودان بخشد و لذا دستور داد این حادثه بزرگ را برای آگاهی آیندگان بر تخته‌سنگ‌های کوهستان تنگ چوگان بیشاپور، نقش رستم پارس، و دارابگرد پارس نقش کنند (فرای، ۱۳۶۸: ۳۴۲).

در سه نقش برجسته پیروزی‌های نظامی شاهپور یکم در تنگ چوگان بیشاپور، نکته‌ای وجود دارد و آن حضور هم‌زمان سه شخصیت سیاسی - نظامی (امپراتوران رومی) در این نقوش است. در نقوش سه‌گانه تنگ چوگان نام سه امپراتور رومی به نام‌های گوردیان، فیلیپ و والرین به چشم می‌خورد.

نقش برجسته دارابگرد در سال ۱۹۶۵م مورد مطالعه و تحقیق خاورشناس معروف آلمانی، پرفسور هینس (Hinz) قرار گرفت. دانشمند نامبرده طی مقاله مبسوطی خاطرنشان ساخت که شخصی که در این نقش برجسته مقابل شاهپور اول زانو زده است والرین نیست بلکه فیلیپ عرب است که پس از کشته شدن گوردیان از شاهپور تقاضای بخشش و صلح با روم را دارد. البته سایر دانشمندان از جمله دکتر گروپ از مؤسسه باستان‌شناسی آلمان و جورجینا هرمان انگلیسی متخصص نقش برجسته‌های دوره ساسانی و پرفسور لوکونین دانشمند شهیر روسی همگی عقیده دارند که جز در نقش برجسته پیروزی شاهپور در نقش رستم پارس که والرین در مقابل اسب شاهپور زانو زده است، در چهار نقش برجسته دیگر شخصی که به زانو درآمده است فیلیپ عرب است نه والرین (هرمان، ۱۳۷۱: ۴۱). سرفراز باستان‌شناس معاصر ایرانی، معتقد است که تاریخ

نقش برجسته شاهپور در نقش رستم برابر با اولین سال جنگ شاهپور با والرین یعنی سال شکست والرین و قرارداد صلح وی به سال به سال ۲۵۶ م است و برهان ایشان مشابهت زانو زدن نقش والرین با چهار نقش برجسته فیلیپ عرب در برابر شاهپور است که برای درخواست عقد قرارداد صلح زانو زده است. از آنجا که شاهپور با فیلیپ عرب ننجگیده و او را به اسارت نگرفته است بلکه پیشنهاد صلح او را پذیرفته است، لذا بدون شک نقش برجسته شاهپور در نقش رستم بیشتر نشانگر پیشنهاد صلح والرین به شاهپور است و مفهوم اسارت زمانی [متصور] است که شاهپور دست امپراتور اسیر را در دست خویش گرفته باشد، به ویژه که پیام شاهپور در کتیبه سه‌زبانۀ او در قسمت تحتانی کعبۀ زردشت بیانگر همین واقعیت است و در آن شاهپور مدعی است که او خود والرین را در میدان جنگ به اسارت گرفته است.

مطابق اسناد انکارناپذیر تاریخی، اردشیر یکم در اواخر عمر، سلطنت را به فرزندش شاهپور واگذار کرد (۲۳۸ میلادی). اردشیر یک موبدزاده بود و تربیتی مذهبی داشت، لذا باقی‌مانده عمر را درحالی که فرزندش سلطنت می‌کرد در معبد آنهایتا در استخر پارس اعتکاف جست و احتمالاً در همین زمان شاهپور تاج شاهی را بر سر نهاد (شهبازی، ۱۳۵۷: ۱۰۲).

در سال ۲۴۲ م گوردیان سوم از طریق مسیر سفلی فرات عازم ایران شد. شاهپور یکم ماجرای این حمله را در کتیبه سه‌زبانۀ خویش که در قسمت تحتانی کعبۀ زرتشت نگاشته شده و به سال ۱۹۳۶ م توسط موسسه شرق‌شناسی شیکاگو به رهبری دکتر اریک اف اشمیت از زیر خاک به درآورده شد، چنین نگاشته است: گوردیان قیصر سپاهی از گوت‌ها و ژرمن‌ها گرد آورد و از سوی آسورستان به ایران‌شهر و بر ما هجوم آورد... در نزدیکی شهر مسیح Masih پیکاری سخت درگرفت و قیصر کشته شد و سپاهیان روم از هم فروپاشیدند و رومیان فیلیپ را به قیصری برگزیدند و فیلیپ قیصر نزد ما آمد و درخواست صلح کرد و پانصد هزار دینار طلا به خاطر زندگانی یاران خویش به ما پرداخت و خراج‌گزار ما شد و بدین سبب شهر مسیح را پیروز شاهپور نام نهادیم (لوکونین، ۱۳۵۰: ۸۲).

اخیراً بر اثر کاوش‌های خانم جورجینا هرمان، متخصص نقوش ساسانی در تحقیقی تحت عنوان *دارا/بگرد نقش اردشیر است یا شاهپور؟* ثابت شده است که نقش یادشده از اردشیر نیست بلکه از فرزند او شاهپور یکم است (هرمان، ۱۳۷۱: ۴۱).

به علاوه افتخار آن پیروزی بزرگ که در فوریه سال ۲۴۴ میلادی رخ داد نیز نصیب شاهپور یکم است و به احتمال قوی این صلح - صلح فیلیپ عرب با شاهپور - پس از مرگ اردشیر رخ داده است. اردشیر در سال ۲۴۲ میلادی مرد و به طور طبیعی شاهپور که فاتح این نبرد بود،

تصویر فاتحانه خویس را بر دیواره کوه دارابگرد نقش کرده است. در این نقش برجسته شاهپور سوار بر اسب و در میان نقش نمایان شده و جسد دشمن (گوردیان سوم امپراتور روم) در کنار وی افتاده و امپراتور جدید (فیلیپ) در مقابل شاهنشاه زانو بر زمین زده و دست‌ها را به صورت استغاثه و تقاضای ترحم مقابل صورت برده است و در عقب سر او پانزده رومی و یک اسب و یک گردونه نمایان است و در عقب این منظره چهار ردیف از صاحب‌منصبان ایرانی دیده می‌شوند (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۴۸).

این تصویر که بی‌تردید قدیمی‌ترین نقش از دوران شاهپور یکم است اولین اثر فاتحانه دوران ساسانی در عصر شاهپور یکم به شمار می‌رود و در آن شاهپور به ذکر تاریخ تصویری خویس پرداخته است.

ریچارد فرای در فصلی از کتاب خویس، مبارزات شاهپور با رومیان همیشه متجاوز را تحت عنوان امپریالیسم شاهپور قلمداد می‌کند و گویا باور ندارد این رومیان اند که از آن سوی مدیترانه بر شرق می‌تازند و دفاع شاهپور را به مثابه تجاوز امپریالیستی تعبیر می‌کند (فرای، ۱۳۶۸: ۲۴۱). اما کتیبه شاهپور در کعبه زرتشت درباره سه جنگ با رومیان سخن می‌گوید. نخستین پیکار در آغاز فرمانروایی شاهپور یکم روی داد و در طی این ماجرا گوردیان بر سپاه شاهپور تاخت ولی شکست خورد و کشته شد و شاهپور حملات خویس را بر متصرفات شرقی - آسیایی روم ادامه داد و در همین زمان اردشیر درگذشت و شاهپور شاهنشاه ایران شد. و جنگ با روم هم ادامه یافت و در همین زمان بود که فیلیپ عرب از شاهپور تقاضای صلح کرد که شرح آن گذشت.

جنگ دوم با نابودی یک سپاه شصت‌هزار نفری از رومیان پایان یافت.

این جنگ بر سر ارمنستان بود و بین سال‌های ۲۵۵ - ۲۵۰ م روی داد و طی آن شاهپور انطاکیه را که پایگاه رسمی و نظامی بزرگ امپراتوری روم در شرق مدیترانه به شمار می‌رفت، تسخیر کرد. شاهپور در کتیبه کعبه زرتشت می‌نویسد: به دنبال آن قیصر باز ما را فریفت و ارمنستان را دستخوش جور و ستم ساخت و ما به امپراتوری روم حمله‌ور شدیم (کعبه زرتشت، پارتی سطر ۴ / یونانی سطر ۱۰) این حوادث به هنگام امپراتوری گاله در روم بین سال‌های ۲۵۱ - ۲۵۳ م و والریان که در ۲۲ ماه اکتبر سال ۲۵۳ م بر تخت امپراتوری نشست روی داد. با هجوم نیروهای ایرانی به سوریه و تسخیر انطاکیه، شاهپور مردی از اهالی انطاکیه به نام سیربادس کوریادس را به امپراتوری روم برگزید. تصویر این مرد بر کتیبه نقش رستم در کنار تصویر سواره شاهپور یکم دیده می‌شود و در همین نقطه بود که شاهپور خویستن را در برابر دریای مدیترانه فاقد نیروی دریایی قوی می‌بیند تا برای سرکوب رومیان به شبه‌جزیره ایتالیا حمله‌ور شود (فرای،

(۱۳۶۸: ۲۲۶).

به سبب این جنگ صلحی بین امپراتور جدید روم (والریان) و شاهنشاه ایران در ۲۵۶م برقرار شد، این صلح به پیشنهاد امپراتور روم و موافقت شاهپور انجام شد. تصویر نقش رستم و تواضع والریان در برابر شاهنشاه مبین این واقعیت تاریخی است. از شرایط صلح آگاهی چندانی در دست نیست و شاهپور تنها یک نکته را خاطرنشان می‌سازد و آن این است که بیش از سی شهر و دژ را به تصرف خود درآورده است و گمان می‌رود کار با واگذاری مقادیری زمین به ایرانیان پایان یافته است (لوکونین، ۱۳۵۰: ۹۱).

ریچارد فرای تاریخ این جنگ و صلح متعاقب آن را به سال ۲۵۳م می‌داند و شروع جنگ سوم را که به اسارت والریان منجر شد در سال ۲۵۶ میلادی قلمداد می‌کند. بنابراین می‌توان حدس زد جنگی که سرانجام به اسارت والریان منتهی شده است در بین سال‌های ۲۵۶ تا ۲۵۹م آغاز و خاتمه یافته است. نبرد اصلی در نزدیکی شهر الرها رخ داد و در آن جنگ والریان به دست شاهپور اسیر شد. عقاید متفاوتی در مورد سال پایان یافتن این نبرد ابراز شده است. بعضی آن را در سال ۲۵۸ و یا ۲۵۹ و یا حتی ۲۶۰م نوشته اند (فرای، ۱۳۶۸: ۲۲۶).

آرتور کریستین سن می‌نویسد: پس از این نبرد که شاهپور خود را سلطان شرق و غرب می‌دید لقب امپراتوری روم را به یکی از پناهندگان رومی اهل انطاکیه به نام کوریادس داد اما این شخص نتوانست از خود نامی در تاریخ به جا بگذارد (کریستین سن، ۱۳۶۷: ۲۴۶).

پیروزی بزرگ شاهپور در الرها (ادس) و اسارت والریان و ارتش نیرومند روم بزرگ همراه با فتح انطاکیه خشم سنای روم را برانگیخت و باعث شد آذینه امیر عرب شهر تجاری تدمر علیه شاهپور برانگیخته شود و روم مصمم به رفع غائله شکست در غرب آسیا شد.

پس از جنگ، شاهپور اسیران رومی را به جندی‌شاهپور فرستاد که پادشاه آن را به تازگی در سوزیانا میان شوشتر و دزفول بنا ساخته بود.

اسیران در آن جا به ساختن سد عظیمی که هدف از بنای آن نگه داشتن آب مورد نیاز کشتزارها و بالا بردن سطح کارون بود پرداختند. نام این سد را شادروان خوشرفتار نهادند و هنوز باقی است. داستان اهانتی که شاه ایران بر امپراتور اسیر روا داشته و بنا به گفته لاکتانیوس در سراسر اروپا ولوله درافکننده بود (هوار، ۱۳۶۳: ۲۵) و بعدها توسط اربابان کلیسای مسیحی نیز تبلیغات وسیعی در اطراف آن راه انداخته شد، داستانی کاملاً گزاف و بی‌اساس است و به احتمال زیاد شاهنشاه از امپراتور شکست‌خورده و اسیر به خوبی پذیرایی کرده و حتی دستور ساختن قصری در بیشاپور و در مجاورت تالار تشریفات و معبد آناهیتا برای امپراتور اسیر صادر کرده

است که هم اکنون این قصر تحت نام قصر والرین در بیشاپور معروف است. مهم‌ترین اثری که از مجموعه نقش‌برجسته‌های پیروزی‌های شاهپور یکم ساسانی بر ارتش‌های متجاوز روم باقی مانده، نقش‌نگاره ساحل چپ رودخانه شاهپور در تنگ چوگان بیشاپور است. این نقش‌برجسته بر روی یک سطح محدب سنگی و در دامنه کوه مشرف بر جاده اصلی کنار رودخانه کنده شده است. مجموع نقش به چهارده منطقه تقسیم شده و منطقه وسط آن موضوع اصلی را نشان می‌دهد.

به عقیده لویی واندنبرگ، در این نگاره شاه سوار بر اسب است و دست رومی حمایت‌شده خویس سیریادس (کوریادیس) را گرفته به همراه می‌آورد و به طرف دشمن که در حال تضرع است (والرین) گام برمی‌دارد. والرین زانو به زمین زده و دو سردار ایرانی ناظر این منظره اند و یک فرشته (نیکا) تاج پیروزی را به شاهپور می‌دهد. در سمت چپ سواره‌نظام ایرانی و در سمت راست اسیران رومی نشان داده شده اند (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۵۶). نظر واندنبرگ در مورد نکات اصلی مشهود در نقش‌برجسته صحیح است ولی در مورد اشخاص حاضر در صحنه تصور این دانشمند به حقیقت نزدیک نیست. تصور او بر این نکته متکی است که تصویر حالت یک زمانی دارد یعنی واقعه در سال ۲۶۰م رخ داده است و شاهپور به ذکر یک داستان که در زمانی معین پدید آمده پرداخته است. در حالی که حقیقت شکل دیگری است.

اولاً وقایع در این نقش‌برجسته در چهار زمان مختلف و در بازه تقریبی بیست‌ساله رخ داده و شاهپور در این تصویر تاریخ مبارزات خویس را علیه دولت امپراتوری روم در یک لحظه [و در یک قاب] برای آیندگان ثبت کرده است. ثانیاً مورخ باستان‌شناس بلژیکی در مورد افراد مشخص‌شده در تصویر دچار اشتباه شده است. بدین ترتیب که چهره شاهپور شاهنشاه چهره فاتحانه‌ای است که او پس از سال‌های ۲۶۰م (سال آخرین و بزرگ‌ترین پیروزی ایران بر روم) دارد و بر اساس تحقیقات سرفراز و مشابهت چهره سنگی والرین و فیلیپ با تصاویر آن‌ها بر روی سکه‌های رومی، آن کس که دست او به وسیله شاهپور به علامت اسارت گرفته شده بر خلاف نظر معروف سیریادس نیست والرین است و آن کس که در مقابل شاه به علامت تضرع و استغاثه زانو زده است فیلیپ عرب است و کسی که زیر پای اسب شاهپور له شده است همان گوردیان سوم امپراتور مقتول روم است.

بنابراین در این تصویر شاهنشاه ایران در مقام یک مورخ دقیق ظاهر شده است. نظری دقیق‌تر بر کتیبه سه‌زبان شاهپور در کعبه زرتشت و دقت در مطابقت سکه‌های فیلیپ عرب و والرین این نکته را به خوبی روشن می‌سازد که شاهپور حوادث مهم دوران سلطنت خویس را به-

خصوص در برخورد با دولت روم در یک تصویر از خود به یادگار نهاده و چنین عملی قبل و بعد از او در ایران سابقه نداشته است. به علاوه واقعه پیروزی بر گوردیان و قتل او بین سال‌های ۲۴۰-۲۴۴ م رخ داده است و به احتمال قوی درخواست فیلیپ عرب برای صلح با ایران و پرداخت نیم میلیون دینار طلا توسط روم بین سال‌های ۲۴۴-۲۴۶ م انجام شده است. در حالی که پیروزی شاهپور بر والرین پس از فتح انطاکیه یعنی سال‌های ۲۵۹-۲۶۰ م انجام شده که متضمن اسارت والرین و بیشتر از هفتاد هزار مزدور (لژیونر) رومی است.

بنابراین این نقش مکمل نقش پیروزی شاهپور بر گوردیان در دارابگرد بوده است و همچنان که گفته شد نقش دارابگرد قدیم‌ترین یادبود پیروزی و نقش تنگ چوگان آخرین یادبود پیروزی شاهپور اول است که تنها یک تفاوت اصلی (یعنی حضور والرین که توسط شاهپور دستگیر شده است) با نقش دارابگرد دارد.

### نتیجه

سنگ برجسته تاریخی شاهپور یکم در کنار رودخانه شاهپور در تنگ چوگان فارس (که علی‌رغم فرسایش و بی‌توجهی تاریخی و مردمی به آن خاموش اما سرشار از احساس غرور ملی است) همچنان یکی از بهترین آثار آن عهد در نوع خود به شمار می‌رود. ویژگی‌های تاریخ ملی ایرانیان در این اثر هنری را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

۱. بداعت اثر که در نوع خود بی‌نظیر است. به طوری که در آثار قبل از آن تا حضور اسلام در ایران چنان پدیده همگونی از چند صحنه بزرگ و تعیین‌کننده تاریخی، آن هم در یک تصویر به وجود نیامده است.

۲. اندیشه سیاسی حاکم بر تصاویر بیانگر اهمیت پیروزی‌های شاهپور بر روم و شکستن اقتدار طولانی مدت امپراتوران روم است که دیرزمانی بر شرق نزدیک، حاکمیتی بی‌چون و چرا داشتند و به واقع صحنه‌های اثرگذار این تصویر بی‌همتا بیانگر پیروزی شرق بر غرب است.

۳. پیام تصاویر برای آینده نظام ساسانی و مردم ایران زمین، انعکاس اقتدار نظامی دولت ساسانی در نخستین دهه‌های حکومت آن بر ایران است.

۴. بی‌گمان شاهپور اول، جزئیات سه پیروزی خویش را در پایه‌های کعبه (معبد) زرتشت و در نقش رستم به سه خط یونانی و پارتی و پارسی به یادگار نهاده است. بنابراین آن تصاویر فاقد نوشته در تنگ چوگان در واقع تکمیل‌کننده نوشته‌های شاهپور یکم در پایه‌های کعبه زرتشت به شمار می‌رود.

۵. آنچه از نوشته‌های شاهپور در نقش رستم و تصاویر سه‌زمانه در یک چهارچوب واحد در

تنگ چوگان به چشم می‌خورد، به واقع تأییدکننده روایت مورخان دوره اسلامی و ملهم از متون خداینامه‌هاست. در واقع اینک با معلوم شدن نیت شاهپور در آن کتیبه، صداقت مورخان بزرگ دوران اسلامی همچون دینوری، طبری، یعقوبی و مسعودی در تاریخ‌های عمومی خویش و آنچه از ساسانیان نگاشته‌اند، روشن می‌شود. در حقیقت تطابق آن نوشته‌ها با تصاویر کتیبه - که از چشم نویسندگان اسلامی کاملاً پوشیده بوده - بیانگر بی‌پیرایگی و حقیقت‌مداری آنان در گزارش درست از وقایع مهم این سرزمین و مردم آن است.

### کتابنامه

- جکسون، پیتر و دیگران. (۱۳۶۸). *تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج*. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرفراز، علی اکبر. (۱۳۷۱). *ویژه‌نامه کنگره باستان‌شناسی بیشاپور*. تهران: انتشارات گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- شاهپور شهبازی، علیرضا. (۱۳۵۷). *شرح مصور نقش رستم*. تهران: انتشارات بنیاد تحقیقات هخامنشی.
- فرای، ریچارد. (۱۳۶۸). *میراث باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۶۷). *ایران در زمان ساسانیان*. تهران: ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیرشمن، رومان. (۱۳۷۰). *هنر ایران*. ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر. (۱۳۵۰). *تمدن ایران ساسانی*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- واندنبرگ، لویی. (۱۳۴۵). *باستان‌شناسی ایران باستان*. تهران: ترجمه عیسی بهنام. تهران: دانشگاه تهران.
- هوار، کلمان. (۱۳۶۳). *ایران و تمدن ایرانی*. ترجمه حسن انوشه. تهران: انتشارات امیرکبیر.



(ماخذ: گریشمن، هنر ایران، ۱۳۷۰)